



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مرگ حقیقی حتمی و غیرقابل‌انکار برای هر موجود زنده بوده و با وجود مواجهه‌ی دائمی انسان با آن، همواره اسرارآمیز و شگفت‌آور است. خداوند مرگ را یکی از سنت‌های الهی می‌داند. آموزه‌های قرآن کریم و روایات پیامبران و ائمه‌ی اطهار (ع) با توصیه به غفلت‌زدایی از یاد مرگ، بر توجه ویژه به مرگ تأکید فراوان دارند. مرگ-اندیشی هرگز در انحصار مکتب فکری و یا اقتصادی خاصی نبوده است؛ چرا که از روشن‌ترین موضوعاتی است که آدمی با علم حضوری به آن واقف گشته و گریزی از آن نیست. بر خلاف تصور بسیاری از مردم که از مرگ و یادآوری آن ترس و واهمه دارند، در منابع دینی ما از یاد مرگ به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل در تربیت و تهذیب نفس، زنده نگه داشتن ایمان، دوری از گناهان و به طور کلی بهره‌وری بهینه از زندگی مادی و معنوی انسان یاد شده‌است. برخی از افراد مرگ را فنا و نیستی پنداشته‌اند که وحشت آن اتمام حیات بشری را تحت تأثیر قرار داده و معناداری زندگی را به چالش کشیده است. با این دیدگاه، گریز از مرگ امری طبیعی است. از سویی دیگر بر خلاف تصور بسیاری از مردم، پیوسته به یاد مرگ بودن، نه تنها موجب تلخی طعم زندگی دنیوی نخواهد شد، بلکه آدمی را به یاد و ذکر همیشگی مقصد و معاد تنبه می‌دهد تا انسان هدف خلقت خویش را فراموش نکرده و اعمال و کردار خود را بر اساس این هدف متعالی تنظیم نماید. حیات دنیوی ما از دیدگاه قرآن و کتب مقدس یک واقعیت است و وابستگی انسان را به این حیات دنیوی نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین زندگی مشروع و مطابق عقل آن است که در عین توجه به حیات دنیوی بتوان برای حیات ابدی اخروی هم برنامه‌ریزی کرد. انسان با مرگ‌اندیشی به

حیات جاودانه‌ی پس از مرگ پی برده و زندگی را حتی پس از مرگ، مستمر می‌داند؛ از این رو ضرورت دارد بیش از حیات دنیوی مورد توجه قرار گیرد. بررسی مفهوم، ابعاد و آثار مرگاندیشی در کتب مقدس یهودیان و مسیحیان، نشانگر اهمیت این مسئله در ادیانی غیر از اسلام است که با نوید به نعمت‌های و حیات جاودانه‌ی اخروی، حامیان خویش را از دلبستگی به مادیات و مظاهر زندگی مادی برحذر داشته‌اند. چشم‌انداز حیات اخروی، سبب معنابخشی به اعمال، افکار و به طور کلی حیات دنیوی شده و انسان را از پوچ‌انگاری و بی‌هدفی دور می‌دارد.

پیشینه‌ی تحقیق

مرگاندیشی و زندگی و حیات ابدی از جمله مسائلی است که بسیار مورد توجه بوده و تحقیقات متعددی در این زمینه به نگارش درآمده است؛ از جمله:

- مقاله: «مرگ و مرگاندیشی»، نوشته‌ی سید یحیی یشربی، تنها به معنا و مفهوم مرگ و مرگاندیشی پرداخته‌است.
- پایان‌نامه: «تأثیر مرگاندیشی بر زندگی انسان از دیدگاه قرآن»، نوشته‌ی فضل‌الله خانی نوزری، به تأثیرات مرگاندیشی را تنها از دیدگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار داده‌است.
- پایان‌نامه: «بررسی تطبیقی مرگ و مرگاندیشی در نهج‌البلاغه و کتاب مقدس»، نوشته‌ی سمیرا باباجهد انصاری، مفهوم و ماهیت مرگ و مرگ-اندیشی را از دیدگاه نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار داده‌است.
- کتاب: «قرآن و کتاب مقدس»، نوشته‌ی محراب صادق نیا، به طور کلی ساختار قرآن و کتب مقدس را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌است.

و نگاهشده‌های بی‌شمار دیگر. اما نوشته‌ای که به تحلیل و بررسی به مفهوم، ابعاد و آثار تربیتی مرگاندیشی و حیات ابدی از منظر قرآن و کتب مقدس پرداخته باشد، یافت نشد.

۱. مفهوم مرگاندیشی

مرگ، ضد حیات، به معنای مردن، سکون و انتقال از این جهان به جهان دیگر است (ابن منظور، ۲: ۹۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱۱: ۱۹۶). انسان مرکب از روح و بدن است. با مرگ که فقدان حیات و زندگی بدن ظاهری است، روح به جهان آخرت منتقل می‌شود (موسوی لاری، ۱۳۷: ۵۰۳). عهد عتیق مرگ را نابودی و فنا ندانسته، بلکه مشابه آموزه‌های قرآنی در خصوص مرگ و معاد، نوعی انتقال به عالم دیگر و زندگانی روحانی همراه با نوعی حیات توأم با شعور و آگاهی می‌داند که عموم انسان‌ها، اعم از نیک و بد، پس از مرگ به «هاویه» منتقل می‌شوند؛ یعقوب منتظر بود که در هاویه نزد فرزند خود، یوسف، برود (سفر پیدایش، ۳۷: ۳۵). اعتقاد به مرگ و خارج شدن روح از بدن در عهد جدید و اناجیل چهارگانه، نه دقیقاً به آن مفهومی که در قرآن و آموزه‌های دین اسلام آمده، اما با عبارات خاص و در مفاهیم کنایه‌ای و نمادین نقل شده است. در تعبیری، عهد جدید مفهوم مرگ به واسطه‌ی آدم تلقی می‌شود؛ در حالی که حیات و جریان زندگی را به واسطه‌ی مسیح می‌داند.

آیات متعدد قرآن از مرگ، با واژگانی چون «وفات» و «توفی» تعبیر می‌کند. «توفی» به معنای اخذ تام و تمام و گرفتن حقیقت یک چیز به صورت کامل بوده و معانی از دست رفتن و نابودی را در بر ندارد (راغب اصفهانی، ۶۴۶). آیه‌ی شریفه می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ... لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (زمر/۴۲). مراد از انفس، ارواحی است که متعلق به بدن‌هاست، نه مجموع روح و بدن؛ چون مجموع روح و بدن کسی

در هنگام مرگ گرفته نمی‌شود، تنها جان‌ها گرفته و علاقه‌ی روح از بدن قطع می‌گردد و دیگر روح به کار تدبیر بدن نمی‌پردازد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۸: ۷۸۰). مردن و خوابیدن، هر دو توفی و قبض روح است. مرگ قبض روحی است که دیگر برگشتی برایش نیست، اما خواب قبض روحی است که روح به بدن دوباره بازمی‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۷: ۲۶۹). عهد جدید در مورد واژه‌ی «مرگ» یا «موت» بیان می‌دارد: «این خداست که ما را نجات داد و برای خدمت خود برگزید نه به دلیل لیاقت ما، زیرا پیش از آفرینش جهان اراده فرموده بود لطف و محبت خود را به وسیله‌ی عیسی مسیح به ما نشان دهد و با ظهور نجات دهنده‌مان عیسی مسیح، اراده او آشکار شده است. او قدرت مرگ را در هم شکست و به ما راه ورود به زندگی جاوید را نشان داد که همانا ایمان آوردن به پیغام انجیل اوست و برای اعلام و تعلیم همین پیغام خدا، مرا رسول او در میان غیریهودیان قرار داد» (دوم تیموتائوس، ۱: ۹-۱۱). عهد عتیق نیز بعد روحانی را بعد از فنای جسم باقی می‌داند که سرمنشأ حیات می‌شود: «وقتی وارد سرزمین موعود شدید، مواظب باشید که از آداب و رسوم نفرت‌انگیز قوم‌هایی که در آنجا زندگی می‌کنند، پیروی نکنید. مثل آن‌ها بچه‌های خود را روی آتش قربانگاه قربانی نکنید. به جادوگری، غیب‌گویی، رمالی، فالگیری و یا احضار ارواح مردگان نپردازید» (تثنیه، ۱۸: ۹-۱۱).

حیات به معنای زنده بودن، رشد و نمو است (ابن‌منظور، ۲: ۱۲۲؛ فیروزآبادی، ۱۳۱۷، ۱: ۱۶۴). حیات در موجودات، یعنی عاملی که موجب وجود چیزی باشد، مانند زنده شدن زمین، یعنی رویاندن گیاه از زمین (طباطبایی، ۱۰: ۵۲). قرآن، حیات در مورد گیاهان و جانوران نیز قوه‌ی عاقله‌ی انسان و حیات جاودان آخرت و صفتی از خداوند به کار رفته است: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا

فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ...» (بقره/۲۵۵). حیات ذاتاً از آن خدا است که در رتبه‌ی اعلا‌ی وجود بوده و نقیض آن موت و مرگ است. مسئله‌ی مرگ زمانی می‌تواند چالش ایجاد کند که مانع ادامه‌ی حیات باشد و حب بقا را که حسی درونی انسان و نیاز فطری بشر است، تهدید کند. عهد جدید بیان می‌دارد: «عیسی جواب داد: اگر تولد تازه پیدا نکنی، هرگز نمی‌توانی ملکوت خدا را ببینی. این عین حقیقت است. نیکودیموس با تعجب گفت: منظورتان از تولد تازه چیست؟ چگونه امکان دارد پیرمردی مثل من دوباره متولد شود؟ عیسی جواب داد: آنچه می‌گویم عین حقیقت است. تا کسی از آب و روح تولد نیابد، نمی‌تواند وارد ملکوت خدا شود. زندگی جسمانی را انسان تولید می‌کند، ولی زندگی روحانی را روح خدا از بالا می‌بخشد. پس تعجب نکن که گفتم باید تولد تازه پیدا کنی» (انجیل یوحنا ۳: ۳-۷).

از دید عهد جدید، حیات ابدی به معنای مشارکت ابدی با خداست. هنگامی که ما بر روی همین زمین به خدا ایمان می‌آوریم، این مشارکت آغاز می‌شود و پس از مرگ جسممان، این مشارکت را در آسمان ادامه می‌دهد. بنابراین کسانی که به عیسی ایمان دارند، نباید از مرگ ترسی داشته باشند؛ زیرا ایمان‌داران واقعاً نمی‌میرند و روح ایشان برای همیشه زنده است (رومیان ۸: ۱۸؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۷). همچنین عهد جدید بیان می‌کند: «عیسی فرمود: آن کسی که مردگان را زنده می‌کند و به ایشان زندگی می‌بخشد، من هستم. هر که به من ایمان داشته باشد، اگر حتی مانند دیگران بمیرد، بار دیگر زنده خواهد شد. و چون به من ایمان دارد زندگی جاوید یافته، هرگز هلاک نخواهد شد» (انجیل یوحنا ۱۱: ۲۵-۲۶). برای ایمان‌داران به مسیح مراحل نجات یعنی آموزش گناهان، عادل‌شمردگی، فرزندخواندگی، و... که فقط زنده بودن تا به ابد نیست، بلکه حیات شادمانه در حضور خدا تا به ابد است.

۲- ابعاد مرگ‌اندیشی در قرآن و کتب مقدس

اعتقاد به مرگ و حیات ابدی در قرآن، عهد قدیم و عهد جدید، دارای ابعاد است که مهمترین آن‌ها عبارت است از:

۱.۲. حقیقت مرگ

مرگ حقیقت ناشناخته نیست، بلکه موضوعی بوده که بعد از خدا و دین، آشناترین مفهوم حیات بشری است. انسان از روزی که پای در قلمرو حیات نهاد، با این پدیده آشنایی عینی و ملموس داشته است. حدود یک پنجم از آیات قرآن، مستقیم یا غیرمستقیم، درباره‌ی مرگ، معاد و حیات جاودان پس از آن سخن گفته و با تعابیری گوناگون به توصیف مرگ و زندگی پس از مرگ پرداخته است (دستغیب، ۱۳۵۷: ۹). رسول‌الله (ص) می‌فرماید: «شما نابود نمی‌گردید، بلکه از خانه‌ای به خانه‌ی دیگر منتقل می‌شوید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۸: ۷۸). بنابراین مرگ پایان زندگی نیست، بلکه آغاز راه جدید و حیاتی مجدد برای روح آدمی است. این دیدگاه در عهد عتیق و جدید نیز مورد تأیید است. پیروان کتب مقدس علت مرگ را خطا و گناه می‌دانند. اما در دین اسلام چنین علتی برای مرگ بیان نشده است. مسیحیان بر این باورند، همچنان که به وساطت یک انسان گناه وارد جهان شد، این گونه مرگ دامن‌گیر همه‌ی مردم گشت و با توجه به آنکه همه گناه کردند، پس همه‌ی انسان‌ها طعم مرگ را خواهند چشید. اما زمان آن بر انسان‌ها پوشیده است و فقط خداوند از زمان وقوع آن مطلع می‌باشد.

مرگ به طور تغییرناپذیری سرنوشت مردگان را تثبیت می‌کند (رومیان، ۵: ۱۲). در کتب مقدس، باب مکاشفه چنین آمده است: «شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه‌ی آتش افکنده خواهد شد. دریاچه‌ی آتش همان جایی است که با گوگرد

می‌سوزد و آن جان‌دار خبیث و پیامبر دروغین او شبانه‌روز، تا به ابد، در آنجا عذاب می‌کشند» (ایوب، ۱۹، ۲۷)، در انجیل متی، لوقا و مرقس نیز آمده که چون ایشان در جلیل می‌گشتند، عیسی گفت: پسرانشان به دست مردم تسلیم خواهد شد، او را خواهند کشت و در روز سوم خواهد برخاست (متی، ۱۷: ۲۲-۲۳). از گزارش‌های عهد جدید به دست می‌آید که مسیحیان با پذیرش مرگ و استقلال روح، به بازگشت دوباره‌ی انسان به خاک معتقدند: «بعد از اینکه پوست من تلف شود، بدون جسد نیز خدا را خواهم دید» (ایوب، ۱۹، ۲۷)، «قدرت خداوند وجود مرا در برگرفت و روح او مرا به دره‌ای که پر از استخوان‌های خشک بود، برد. او مرا در میان استخوان‌ها گردانید. بعد گفت: ای انسان خاکی آیا این استخوان‌ها می‌تواند دوباره جان گیرد و زنده شود؟ گفتم: ای خداوند! تو می‌دانی. آن‌گاه به استخوان‌ها فرمود: به کلام خداوند گوش دهید! او می‌گوید من به شما جان می‌بخشم تا دوباره زنده شوید. گوشت و پی به شما می‌دهم و با پوست شما را می‌پوشانم در شما روح می‌دمم تا زنده شوید. آن‌گاه خواهید دانست که من خداوند هستم» (حزقیال، ۳۷: ۱-۶). بنابراین در عهد عتیق انسان دارای یک بعد روحانی است که پس از مرگ و توفی به حیات خود ادامه می‌دهد، حتی نوع حیات و کیفیت آن به اعمال و رفتار آن روح و جسم در قبل از مرگ ارتباط تنگاتنگ دارد.

اساساً اختلاف عقیده در رابطه با حیات روح و کیفیت آن پس از مرگ در دوره‌های مختلف حیات یهودیان، از جمله مسائلی است که به اشکال متنوع مطرح و در هر عصر با تفکرات خاصی بین مردم رواج داشته است (کوهن، ۱۳۸۳: ۹۹). با بررسی آیات عهد جدید نیز مباحث مرگ‌اندیشی در چهار حوزه‌ی معادباوری، رستاخیزشناسی، حسابرسی، بهشت و جهنم‌شناسی بیشتر ظهور دارد.

- معادباوری: عیسی مسیح (ع) در قالب اموری چون تبلیغ زبانی وجود رستاخیز، زنده کردن مردگان، نمونه‌هایی از رستاخیز انسان را به صورت عملی مطرح می‌کرد. در برخی از اناجیل می‌خوانیم: «پس هرگاه دستت تو را بلغزاند، آن را ببر؛ زیرا تو را بهتر است که یک دست داشته باشی و تا ابد زنده بمانی تا اینکه دو دست داشته باشی و در آتش بی‌امان جهنم بیفتی. در آتش که خاموشی نپذیرد» (انجیل مرقس، ۹: ۴۳-۴۸)، «اراده‌ی پدری که مرا فرستاد، این است که از آنچه به من عطا کرد چیزی تلف نکنم، بلکه در روز بازپسین آن را برخیزانم و اراده‌ی فرستنده‌ی من این است که هر که پسر را دید و بدو ایمان آورد، حیات جاودانی داشته باشد و من در روز بازپسین او را خواهم برمی‌خیزانم» (یوحنا، ۶: ۳۹، ۴۰).

- برزخ‌شناسی: به اعتقاد مسیحیان هر چند در عهد جدید تصریح به برزخ نشده، اما کسانی که کاملاً پاک هستند، پس از مرگ به بهشت می‌روند و به لقای خدا نائل می‌شوند. اما آنان که کاملاً پاک نبوده و به گناهان آلوده‌اند، غسل تعمید گرفته و به جهنم داخل نشده و در محلی نزدیک به جهنم توقف خواهند کرد. این مکان را پیشخوان جهنم (برزخ) نامیده‌اند. در آیین کاتولیک روزی به نام روز ارواح وجود دارد که با به‌صدادرآمدن زنگ‌های کلیسا، ارواح به دعای بستگانشان از این پیشخوان آزاد می‌شوند (آشتیانی، ۱۳۷۸: ۳۵۴).

- رستاخیزشناسی: عهد جدید، رستاخیز مردگان را با رجعت مسیح و پایان جهان همراه می‌داند. ظهور و قیام مسیح ناگهانی دانسته شده و کسی جز خدا از زمان وقوع آن اطلاع ندارد. اما نشانه‌هایی چون: اعلام پادشاهی الهی در سراسر عالم، اوج لذت قوم یهود، وقوع تحولات عظیم کیهانی، ظهور مسیح دروغین، شعله‌ور شدن آتش جنگ، بروز قحطی و... در عهد جدید برای ظهور او آمده است (آشتیانی، ۳۵۴)؛ به

عنوان نمونه: «در آفتاب و ماه و ستارگان علاماتی ظاهر خواهد شد و در روزی زمین ملتها از عرش دریاها و خروش امواج آن پریشان و نگران خواهند شد. آدمیان از تصور آنچه بر سر دنیا خواهد آمد، از هوش خواهند رفت و ثبات آسمان در هم خواهد ریخت» (لوقا، ۲۱: ۲۵-۲۶)، درباره‌ی نفع صور هنگام رستاخیز نیز آمده است: «صدای بلند شیپور به صدا در خواهد آمد و او فرشتگان خود را می‌فرستد تا برگزیدگان خدا را از چهار گوشه‌ی جهان جمع کنند» (انجیل متی، ۲۴: ۳۱).

- روز حساب و رسیدگی به اعمال: عهد جدید، خداوند را داور همگان دانسته که او این کار را به وسیله‌ی عیسی مسیح انجام می‌دهد (رساله عبرانیان، ۱۲: ۲۳؛ یوحنا، ۵: ۲۲). همچنین گروه‌هایی که داوری می‌شوند، عبارت‌اند از:

انسان: «سخنان انسان، نشانه‌ی باطن اوست. در باطن او اندوخته‌ای نیکو وجود دارد. سخنان انسان بدذات نیز از اندوخته‌ی بد دل او خبر می‌دهد» (انجیل متی، ۱۲: ۳۶).
فرشتگان: آیا نمی‌دانید که فرشتگان را داوری خواهیم کرد، تا چه رسد به امور روزگار؟ (رساله اول قرنتیان ۶: ۳؛ نامه دوم پطرس، ۲: ۴).

پیامبران دروغین و سپاهیانسان: «دیدم از دهان از دهان نبی کاذب، روح خبیث چون وزغ‌ها بیرون می‌آیند. زیرا که آنها ارواح دیوها هستند که معجزات ظاهر می‌سازند تا ایشان را برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق فراهم آورند. عیسی مسیح می‌گوید: مانند دزد زمانی که منتظر نیستید، می‌آیم! خوشا به حال کسی که برای بازگشت من آمده و لباس خود را نگه می‌دارد، مبادا برهنه راه رود و رسوا شود (مکاشفه یوحنا، ۱۶: ۱۵-۱۳).

شیطان و سپاهیانش: «سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه‌ی آتش افکنده خواهد شد. دریاچه‌ی آتش همان جایی است که با گوگرد می‌سوزد و تا ابد در آنجا عذاب می‌کشند» (همان، ۲۰: ۹-۱۰).

- بهشت و جهنم‌شناسی: در عهد جدید به طور مکرر از دوزخ نام برده شده، اما از بهشت و نعمت‌هایش کمتر سخن به میان آمده و از آن با تعبیر حیات جاودان نام برده شده است: «هر که به خاطر اسم من، خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا زمین‌ها را ترک کرد، صد مرتبه بیشتر خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد گشت» (متی، ۱۹: ۲۹). پاداش نیکوکاران و عادلان را نیز حیات ابدی اعلان می‌دارد (متی، ۲۵-۴۶) و عذاب را محرومیت از رویت خدا، آتش خشم و غضب خدا نام می‌برد (دوم تسالونیکیان، ۱: ۸ - ۹).

بنابراین قرآن و کتب مقدس به حقیقت معاد و مسائل پیرامون آن، بقای نفس و برزخ اعتقاد دارند. البته تفاوت‌هایی در این مسئله میان معتقدین به این کتب آسمانی یافت می‌شود؛ مثلاً مسیحیان برزخ را مختص گناهکاران می‌دانند، اما قرآن بر وجود برزخ برای همه‌ی افراد تصریح دارد. مبحث معاد در قرآن بلافاصله پس از آیات توحید مطرح شده است (هاکس، ۱۳۷۷). از دیدگاه یهودیان مرگ به معنای پایان حیات نیست، بلکه به معنای پایان ارتباط میان روح و بدن بوده و در مورد همه‌ی افراد بشر صدق می‌کند: «به تو پناه می‌آورم و روح خود را به دست تو می‌سپارم» (کتاب مزامیر، ۳۱: ۵). یهودیان معتقدند برای مرگ وقت معینی است و فقط خداوند زمان آن را می‌داند (کهن، ۹۴). همچنین آنان علت و سبب مرگ را خطا و گناه می‌دانند: «هر کس گناه کند، خواهد مرد! انسان خوب و درستکار، پاداش خوبی و نیکوکاری خود را خواهد یافت و انسان بدکار نیز به سزای اعمال خود خواهد رسید. اما اگر شخص شرور از تمام بدی‌ها و گناهان خود دست کشد و به راستی روی آورد، تمام گناهان گذشته‌ی او آمرزیده خواهد شد» (کتاب حزقیال، ۱۸: ۲۰ - ۲۱) و در مورد علت قرار دادن مرگ از جانب خداوند برای انسان در تلمود آمده: «فرشتگان از

خدا پرسند چرا مجازات مرگ را برای آدم معین کرده است؟ او در جواب می‌گوید: اگر آدم ابوالبشر خطا نمی‌کرد و از میوه‌ی درخت ممنوع نمی‌خورد، تا ابد جاوید می‌ماند» (کهن، ۹۲). قرآن مرگ را حتمی و با کیفیت خاص می‌داند: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ». انسان با مرگ ناپود نمی‌شود، بلکه روح از تن بیرون می‌رود و رابطه‌ی خود را از تن قطع می‌کند (طباطبایی، ۱۴: ۲۸۵). پس هر انسانی طعم مرگ را خواهد چشید و احدی از این امر مستثنا نیست. اجل در نظر گرفته شده قابل تأخیر و تغییر نخواهد بود.

یهودیان و مسیحیان علت مرگ را خطا و گناه بشر می‌دانند، اما در اسلام چنین علتی برای مرگ ذکر نشده است. قرآن قبض روح را گاه به خود، گاه به ملک‌الموت و در جایی نیز به ملائکه نسبت می‌دهد. آیین مسیحیت در این خصوص مطلبی ذکر نکرده، اما آیین یهودیت مسئله‌ی قبض روح، فقط به فرشته‌ی خشمگین مرگ نسبت می‌دهد (کهن، ۹۳). پس هر سه کتاب آسمانی به حتمیت مرگ و مسائل پیرامون آن و نیز به بقای نفس (ولو با اختلافاتی) اعتقاد دارند.

۲.۲. مرگ قانونی فراگیر و گریزناپذیر

مرگ امر گسترده‌ای است که بر تمام انسان‌ها و موجودات عالم، در همه‌ی زمان‌ها سایه افکنده و هر موجودی، حتی بی‌جان، سرانجام ناپود خواهد شد. خداوند در بسیاری از آیات کتاب خویش قانون کلی مرگ را دربارهِ همه‌ی نفوس، بدون استثنا، بازگو می‌کند. اگرچه بسیاری از مردم مایل‌اند که فناپذیر بودن خود را فراموش کنند، ولی اگر ما آن را فراموش کنیم، آن هرگز ما را فراموش نخواهد کرد. اما نباید گمان کرد که مرگ پایان همه چیز است، بلکه مرگ آغاز زندگی اصلی انسان-

هاست؛ چرا که به فرموده‌ی خداوند: «هر کسی طعم مرگ را می‌چشد و شما پاداش خود را به طور کامل در روز قیامت خواهید گرفت» (آل عمران/۱۸۵). بنابراین هر نفسی مقدمات و شدائد و سكرات مرگ را می‌چشد (طبرسی، ۲: ۹۰۲).

اعتقاد به مرگ یکی از نقاط مشترک بین تمامی انسان‌ها با هر عقیده بوده و نمی‌توان مرگ را انکار کرد: «ما خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى...» (احقاف/۳) مرگ قانون عمومی حاکم بر تمام جهان و موجودات آن، از جمله انسان است و هیچ‌گونه استثنایی حتی برای خوبان وجود ندارد. آموزه‌های دین یهود بیان می‌دارد: انسان امروز اینجاست و فردا خواهد مرد؛ زیرا روزهای عمر ما بر زمین، مانند سایه‌ی بدون دوام است و مرگ قوی‌ترین نیرویی است که خداوند در جهان پدید آورده است و به هیچ روی نمی‌شود بر آن چیره شد (کهن، ۱۳۸۲: ۹۰-۹۲). در بخشی از آموزه‌های مسیحیت نیز آمده: «همه‌ی انسان‌ها لحظه‌ی آخر زندگی‌شان در این دنیا، پیش روی مرگ قرار می‌گیرند و این لحظه ترسناک است. به زودی این زندگی به پایان خواهد رسید. پس به حال خود نظر کن. هر قوم و جمعیت، با هر عقیده نمی‌توانند این واقعیت را انکار کنند که سرانجام، زندگی پایانی دارد» (برنتل، ۱۳۸۲: ۲۶۴). از جمله اعتقادات مشترک در بین ادیان، ادامه‌ی حیات پس از مرگ است. دین‌ها نمی‌پذیرند که هستی انسان در همین دوران کوتاه زندگی بر روی زمین خلاصه شود. از نظر کتب آسمانی این اندیشه در مرگ است که جلوگیری از طغیان و سرکشی، تلاش و امیدواری، احساس آزادی در انجام عمل و... را موجب می‌شود.

۳.۲. مفهوم معاد

معاد به معنای بازگشت ارواح به سوی اجساد اصلی دنیوی، به منظور حساب و ثواب و عقاب اخروی است (ابن‌منظور، ۳: ۳۱۵). قرآن کریم اهمیت بسیاری در خصوص

معاد و روز آخرت قائل بوده و آن را از جمله اصول مهم اعتقادی قرار داده است. از دیدگاه یهود در هیچ جای تورات سخنی از معاد به معنی بازگشت به عالم آخرت نیامده است. البته در مواردی کلمه‌ی آخرت آمده، اما مراد از آن عاقبت دنیوی است نه آخرت اصطلاحی.

در کتاب تلمود که سنت شفاهی یهود است، از معاد به فراوانی سخن گفته شده است. یهودیان کنونی به روح اعتقاد داشته و به حیات روح بعد از مرگ ایمان دارند (الشیخ، ۱۴۰۰: ۸۸). برخی از علمای یهود قائل هستند که معاد برای همه‌ی مردگان است، ولی برخی دیگر معاد را مختص یهودیان می‌دانند. عده‌ای دیگر گفته‌اند حتی یهودیانی که لیاقت و امتیازات لازم را کسب نکرده باشند، نیز از پاداش زندگی بعد از مرگ محروم نخواهند بود. از مجموع نوشته‌های یهود، جسمانیت معاد استفاده می‌شود؛ گرچه در نحوه‌ی این معاد جسمانی اختلافاتی بین علمای آن‌ها وجود دارد؛ همچون شکل یافتن انسان در جهان آینده، مانند شکل یافتن او در این جهان نخواهد بود. در این جهان شکل یافتن بدن از پوست و گوشت شروع شده و با رگ‌ها و استخوان‌ها خاتمه می‌یابد، ولی در جهان آینده برعکس؛ از رگ‌ها و استخوان‌ها آغاز و با پوست و گوش پایان می‌پذیرد و یا برعکس (کهن: ۳۶۸؛ حزقیال: ۳۷ - ۸).

در اعتقاد مسلمین به ویژه شیعه، انسان در عالم برزخ صرفاً موجود روحانی نیست، بلکه دارای بدنی متناسب با عالم برزخ است که از نظر شکل ظاهری شبیه بدن مادی است. معاد مسیحیان تفاوت بسیاری با معاد مسلمین دارد. به اعتقاد مسیحیان، عیسی مسیح (خدای مجسم) بعد از کشته شدن و دفن شدن دوباره از قبر خود برخاست و به آسمان‌ها رفت. مسیحیان معتقدند آن حضرت دوباره به زمین برخواهد گشت و رستاخیز را در زمین برپا خواهد نمود. سپس مردم را داوری کرده و گروهی

را به جهنم و گروهی را به فردوس خواهد فرستاد. از مجموع کلمات کتب مقدس چنین برمی آید که رستاخیز مورد نظر مسیحیان کاملاً روحانی است و بعد از داوری، خبری از عذاب و لذت جسمانی نیست (متی، ۲۲: ۳۰). به هر حال در اعتقادات مسیحیان اثری از آنچه مسلمین عالم قبر و برزخ می نامند، به چشم نمی خورد. حتی معاد در نگاه آنان از جهاتی شبیه به رجعت است. از این رو تصور دنیای پس از مرگ در آثار قدیم دین یهود وجود ندارد. رستاخیز مردگان در هیچ یک از اسفار پنج گانه ی تورات نیامده و تعبیر کلی آخرت را باید به معنای «عاقبت دنیوی» دانست: «به خاطر آوردن خداوند شما را در بیابان چهل سال تمام هدایت کرد و شما را در تنگی قرار داد، آزمایش کرد تا ببیند عکس العمل شما چیست و آیا اطاعت می کنید یا نه؟ او شما را در سختی و گرسنگی نگه داشت و بعد به شما «صَن» داد تا بخورید؛ غذایی که شما و پدران تان قبلاً از آن بی اطلاع بودید. او چنین کرد تا به شما بفهماند که زندگی فقط به خوراک نیست، بلکه به اطاعت از کلام خداوند است. دستورات خداوند، خدایتان را اطاعت کنید از او پیروی نمایید و از وی بترسید. خدایتان شما را به سرزمین حاصلخیزی می برد. سرزمینی که خوراک در آن فراوان است و شما محتاج به چیزی نخواهید بود. اما مواظب باشید که در هنگام فراوانی، خدایتان را فراموش نکنید و از اوامر او سرپیچی ننمایید. اگر خدایتان را فراموش کنید حتما نابود خواهید شد» (تثنیه، ۸: ۲-۲۰).

در میان یهودیان، فرقه ی صدوقیان منکر رستاخیز مردگان بوده و معتقدند با مردن جسم، روح نیز معدوم می شود و مرگ پایان موجودیت انسان است. ایشان بیان می دارند در اسفار پنج گانه ی تورات یادی از رستاخیز مردگان نشده است. در سنت یهودی برای اثبات وجود عقیده به زندگی پس از مرگ در تورات، به تعبیر «به تعبیر

خود ملحق شد» استناد شود. در کتاب‌هایی از عهد عتیق که پیش از اسارت بابل نگاشته شده، روز خداوند به همین جهان اطلاق می‌شود و قهر و غضب الهی در این جهان، دشمنان بنی‌اسرائیل و گناهکاران این قوم را فرا می‌گیرد. سپس پادشاهی از قوم یهود، عدل و اراده‌ی خداوند را برپا می‌کند. با تأمل در اسفار خمسه‌ی کنونی حضرت موسی (ع) که یهودیان به آن تورات می‌گویند، درمی‌یابیم که در این کتاب سخنی از رستاخیز، جزا، بهشت و جهنم ذکر نشده است. با همه‌ی بی‌اعتنایی عهد قدیم به مسئله‌ی رستاخیز، باز هم تعبیرات روشنی در پاره‌ای از کتاب‌های آن در این زمینه دیده می‌شود و صریح‌ترین جمله‌ای که در عهد عتیق درباره‌ی رستاخیز وارد شده، چنین است: «خداوند می‌میراند و زنده می‌کند، به گور فرومی‌برد و برمی‌خیزاند» (اول سموئیل، ۲: ۶). این جمله علاوه بر اصل رستاخیز، به معاد جسمانی نیز تصریح دارد؛ زیرا قبر، محل قرار گرفتن جسم انسان است که جسم با قرار گرفتن در آن به خاک تبدیل می‌شود؛ وگرنه قبر جایگاه روح نیست تا روح از آن برخیزد. در واقع این جمله هم معنا با این فرموده‌ی قرآن است که می‌گوید: «أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» (حج/۷). همچنین مسیحیان به معاد جسمانی اعتقاد دارند. در کتاب اشعیا آمده است: «اما مردگان قوم تو زنده شده، از خواب برخوانند خاست؛ زیرا از جانب تو به آن‌ها حیات بخشیده خواهد شد. کسانی که در خواب خفته‌اند، بیدار شده، سرور و شادمانی سر خواهند داد» (اشعیا، ۲۶: ۱۹).

درباره‌ی محل رستاخیز، یهودیان معتقدند که رستاخیز مردگان، در ارض مقدس فلسطین روی خواهد داد (کهن: ۳۶۷). مطابق نظر عهد جدید، رستاخیز مردگان با رجعت مسیح (ع) و پایان جهان همراه خواهد بود. هر چند برای ظهور مسیح (ع) زمان معینی یاد نشده و قیام او ناگهانی دانسته شده است (مکاشفه یوحنا، ۶: ۱۲-)

۱۴). در اسلام نیز علامات این روز، تغییر در نظام طبیعت و... ذکر شده است. زمان برپایی قیامت یکی از مسائل مجهول است که جز ذات احدیت، دیگری را از آن آگاهی نیست. در قرآن نیز آمده است: «از تو درباره‌ی قیامت سؤال می‌کنند که وقوع آن در چه زمانی است. بگو علمش نزد پروردگار من است و هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت و زمان آن را آشکار سازد» (اعراف/۱۸۷). مسیحیان به نفخ صور اعتقاد دارند و آن را با نام «شیپور» به کار می‌برند: «زمانی که شیپور آخر از آسمان به صدا درآید، در یک لحظه، در یک چشم برهم‌زدن، همه‌ی ایمان‌دارانی که مرده‌اند، با بدنی فناپذیر زنده خواهند شد» (اول قرن‌تیان، ۱۵: ۵۲). آنان معتقدند که دوبار در صور دمیده خواهد شد. نفخ اول به هنگام رجعت مسیح (ع) خواهد بود که این قسمت با عقاید مسلمانان متفاوت است، اما نفخ‌های دوم که باعث زنده شدن مردگان می‌شود، در هر دو آیین به یک شکل بیان شده است. در قرآن مجید از دو نفخ صور نام برده شده است: یکی نفخ مرگ است که با دمیدن آن همه انسان‌ها می‌میرند و پایان جهان خواهد بود، دیگری نفخ‌های حیات است که با شنیدن آن همه‌ی مردگان زنده شده و جهان دیگر آغاز خواهد شد (زمر/۶۸).

بنابراین در هر سه کتب آسمانی به نوعی به معاد، برزخ و روز رستاخیز اشاره شده و در کتاب تلمود که سنت شفاهی یهود است، از معاد به فراوانی سخن گفته شده است. مسیحیان نیز اجمالاً به معاد اعتقاد دارند، لکن معاد آن‌ها تفاوت‌های بسیاری با معاد مسلمین دارد. چنین استدلال می‌شود که وقتی انسان به زندگی پس از مرگ معتقد باشد، در نتیجه تلاش می‌کند که در این دنیا دچار خطا و گناه نشود یا کمتر کار اشتباه و گناهی انجام دهد. این به خودی خود باعث تقویت مرگ‌اندیشی و تقویت ایمان می‌شود.

۴.۲. غفلت‌زدایی مرگ‌اندیشی

غفلت یکی از موانع مرگ‌اندیشی به شمار می‌آید، درمقابل اگر انسان درمسیر مرگ‌اندیشی قرار گیرد، بی‌گمان بیدار شده و می‌کوشد با بارور ساختن درخت مرگ‌اندیشی در قلب خود از آن غفلت نوزد. مرگ‌اندیشی، اصلاح در کردار، دوری از گناه و ناپاکی‌هایی است که بر اثر غفلت، از انسان سر می‌زند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۲۴۷). از مهمترین آثار تربیتی مرگ‌اندیشی این است که انسان به سبب ایمان و عقیده‌ای که به مرگ و جهان پس از آن دارد، هیچ گاه به کردار و رفتار روزانه‌ی خود بی‌توجه نیست (طاهری، ۱۳۷۳: ۱۲۶). در کتب مقدس نیز آمده است: «اگر به خداوند، گوش ندهید و قوانینی را که امروز به شما می‌دهم اطاعت نکنید، آن وقت تمام این لعنت‌ها بر سر شما خواهد آمد. اگر شرارت ورزیده، خدا را ترک کنید، خداوند نیز در همه‌ی کارهایتان شما را به مصیبت و اضطراب و ناکامی دچار خواهد کرد تا به کلی از میان بروید. آن قدر بیماری در بین شما خواهد فرستاد تا از روی زمینی که به زودی آن را تصرف می‌کنید، محو و نابود شوید و او شما را گرفتار بیماری‌های مهلک و تب و التهاب خواهد کرد و خشکسالی و باد سوزان خواهد فرستاد تا محصولاتان را از بین ببرد. تمامی این بلاها آن قدر شما را دنبال خواهند کرد تا نابود شوید. تمام این بلاها که دامن‌گیر شما و فرزندان‌تان می‌شود، درس عبرتی برای دیگران خواهد بود» (لاویان، ۲۶: ۱۴-۴۶).

نتایج

مرگ و یاد آن به رغم آنچه بسیاری از مردم تصور می‌نمایند، نه تنها ترس و واهمه ندارد که آثار مثبت و سازنده‌ای نیز به همراه دارد. فراموشی و غفلت از مرگ، زاییده‌ی

علل و عواملی چون وابستگی به دنیا، جهل و نادانی، کثرت گناهان، دور پنداشتن مرگ و... است. فراموشی یاد مرگ آسیب‌هایی چون افراط در زهدگرایی، ناامیدی، تعجیل در عمل را به همراه دارد. از مقارنه‌ی میان قرآن و کتب مقدس در مسئله‌ی مرگان‌دیشی و حیات ابدی، یافته‌های پژوهشی زیر را به همراه داشت:

- دیدگاه‌های مشترک فراوانی میان قرآن و کتب مقدس در خصوص مرگ و مفاهیم مرتبط با آن وجود دارد که قابل انطباق و مشترک با هم در بسیاری از مولفه‌هاست. در کتب مقدس مرگ، نابودی و فنا نیست، بلکه مشابه آنچه از قرآن استنباط می‌شود، نوعی انتقال است که پس از مرگ، زندگی انسان به صورت روحانی قوام با نوعی حیات و شعور ادامه خواهد یافت.

- واژه‌ی روح، در کتب مقدس در معانی‌ای چون نیروی حیات‌بخش و قوام‌دهنده و در اختیار خداوند معنا می‌دهد. در عین حال از نوعی استقلال نسبت به بعد جسمانی برخوردار است که بعد از فنای جسم باقی مانده و سرمنشأ حیات می‌گردد. آیات متعدد در کتب مقدس گویای آن است که آنچه در مرگ با آن مواجه‌ایم، جان است و مرگ، گرفتن جان و جدایی روح از جسم است. داوری اعمال در کتب مقدس، در دنیا و پیش از مرگ و پس از آن تصریح دارد.

- حیات مجدد مردگان، یکی از اصول محوری در مسئله‌ی معاد است که در موارد متعدد عهد عتیق و عهد جدید، با موارد فراوانی از قرآن در این امر قابل تطبیق است. قرآن و کتب مقدس اطاعت از دستورات الهی و اعمال صالح را معیار اساسی جدایی صالحان و بدکاران، پس از مرگ می‌دانند. در انجیل متی و قرآن کریم بر اصل جزای اعمال و جزای مطابق با اعمال و عدم ستم به فردی، تأکید فراوان شده است.

- مرگان‌دیشی همراه با آثاری چون آگاهی‌بخشی، جلب محبت خداوند، ساده‌زیستی و قناعت، دوری از تکبر و خودخواهی، دل بستن به وعده‌های خداوند، صبر بر

مصیبت‌ها و مشکلات زندگی، عدالت‌گرایی، پایداری در حفظ ارزش‌های دینی، پرورش اخلاق اجتماعیو سرعت در انجام کارهای خیر می‌باشد.

مرگ مرحله‌ای جدایی‌ناپذیر از زندگی است که شناخت مفهوم آن برای انسان تعالی‌بخش است. عدم ایمان به خدا و قیامت، برداشت غلط از آن، تلقی از مرگ به معنای نابودی و... از عوامل اساسی ترس از مرگ است. گرچه مرگ پایان‌بخش زندگی مادی است و دل‌کندن از زندگی دنیا و تعلقات مادی آن بسیار دشوار است، ولی خود آغازگر زندگی دیگری است.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال، محقق علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه‌ی مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). امالی، قم: نشر کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸)، التوحید، قم: جامعه‌ی مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۳)، لسان‌العرب، بیروت: دار صادر.
- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۷۸)، تحقیق در دین مسیح، تهران: نشر نگارش.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵). البرهان فی التفسیر القرآن، قم: موسسه‌ی الدراسات الاسلامیه.
- برنتل، جورج (۱۳۸۲). آیین کاتولیک، قم: مرکز مطالعات ادیان و مذاهب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰). معاد در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). تفسیر تسنیم، قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل‌الشیعه، قم: موسسه‌ی آل بیت (ع).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۰). الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، تهران: دهقان.

- دستغیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۸). گناهان کبیره، قم: انتشارات اسلامی.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲). ارشاد القلوب الی الصواب، قم: الشریف الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
- رضی، سید شریف (۱۳۹۷). نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، تهران: پیام عدالت.
- رضی، سید شریف (۱۴۰۶). خصائص الائمة (ع)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا). مسکن الفواد عند فقد الاحبه و الاولاد، قم: بصیرتی.
- الشیخ، علی (۱۴۰۰). القرآن و العهدين، مترجم: خدیجه احمدی بیغش، قم: هاجر.
- طاهری، حبیب الله (۱۳۷۳). درس های از اخلاق اسلامی، قم: انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۲). المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲). مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). الأملی، قم: دارالثقافة.
- فیروزآبادی، مجدالدین (۱۳۱۷). القاموس المحيط، بیروت: موسسه ای الاعلمی للمطبوعات.
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱۴۰۷). الدعوات، قم: انتشارات امام مهدی (عج).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- کوهن، آبراهام (۱۳۸۳). گنجینه ای از تلمود، ترجمه ای امیرفریدون گرگانی، تهران: اساطیر.
- کراجکی، محمدبن علی (۱۳۵۳). معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، محقق احمدحسینی، تهران: مرتضوی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵). میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
- مدنی شیرازی، سید علی خان (۱۴۰۹). ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، قم: انتشارات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). پند جاوید، قم: موسسه ای آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).

- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). انسان‌سازی در قرآن، قم: موسسه‌ی آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- موسوی‌لاری، سیدمجتبی (۱۳۷۸). مبانی اعتقادات در اسلام، قم: نشر فرهنگ اسلامی.
- نرم‌افزارجامع الأحادیث نور (۱۳۹۱). فرهنگ جامع روایات پیامبر و ائمه معصومین (ع)، قم: تولید و نشر مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نرم‌افزارجامع التفاسیر نور (۱۳۹۱). دایرةالمعارف چندرسانه‌ای قرآن کریم، قم: تولید و نشر مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- ورام بن اَبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، قم: مکتبه فقیه.
- هاکس، جیمز (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر.
- الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۷۸). ده مقاله در حکمت الهی یا اخلاق مرتضوی، قم: قیام.

Bibliography

The Holy Quran

- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (1983), al-Khasal, scholar Ali Akbar Ghafari, Qom, community of teachers
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (1997), Amali, Qom, Katabachi Publishing House
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali (2018), al-Tawheed, Qom, community of teachers
- Ibn Manzoom, Muhammad bin Makram (1992), Lasan al-Arab, Beirut, Dar Sadir
- Ashtiani, Jalaluddin (1999), Research on the religion of Christ, Tehran, Nagaresh publication
- Bahrani, Seyyed Hashem (1994), Al-Burhan fi al-Tafsir al-Qur'an, Qom, Institute of Islamic Studies
- Berntel, George (2012), Catholicism, Qom, Center for Studies of Religions and Religions
- Javadi Amoli, Abdullah (2001), Resurrection in the Qur'an, Qom, Isra'a
- Javadi Amoli, Abdullah (2002), The face and character of man in the Qur'an, Qom, Isra
- Javadi Amoli, Abdullah (2002), Tafsir Tasnim, Qom, Isra
- Har Amili, Muhammad bin Hassan (1988), Al-Bayat Institute, Al-Bayat Institute, Qom.
- Haramali, Mohammad bin Hassan (2001), Al-Jawahir Al-Sunayeh in Al-Ahadith al-Qudsiyeh, Tehran, Dehghan
- Dastghib, Seyyed Abd al-Hossein (2009), Great Sins, Qom, Islamic Publications

- Daylami, Hasan bin Muhammad (1991), *Irshad al-Qulub to al-Sawab*, Qom, al-Sharif al-Razi
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1990), *al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*, Beirut, Dar al-Alam
- Razi, Seyyed Sharif (2017), *Nahj al-Balagheh*, translator: Mohammad Dashti, Tehran, Payam Adalat
- Razi, Seyyed Sharif (1985), *Characteristics of Imams (AS)*, Mashhad, Astan Quds Razavi
- Shahid Sani, Zain al-Din bin Ali (Bita), *al-Fawad house when the loved ones and children are lost*, Qom, Baisarti
- Al-Sheikh, Ali (1979), *Al-Qur'an and Al-Ahadin*, translator: Khadijah Ahmadi Begash, Qom, Hajar
- Taheri, Habibullah (1994), *Lessons from Islamic Ethics*, Qom, Islamic Publications
- Tabatabai, Mohammad Hossein (2003), *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Islamic Publications
- Tabarsi, Hasan bin Fazl (1993), *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Nasser Khosro
- Tabarsi, Hasan bin Fazl (1991), *Makarem al-Akhlaq*, Qom, Al-Sharif al-Razi
- Tarihi, Fakhreddin bin Mohammad (1996), *Majma Al-Baharin*, Tehran, Mortazavi Tousi, Muhammad bin Hassan (1993), *Al-Amali*, Qom, Dar al-Taqfah
- Firouzabadi, Majaddin (1996), *Al-Qamoos Al-Muhait*, Beirut, Al-Alami Al-Mahabbat Institute
- Qutb al-Din Ravandi, Saeed bin Hebaullah (1986), *Al-Dawat*, Qom, Imam Mahdi Publications (AS)
- Kilini, Muhammad bin Yaqub (1986), *Al-Kafi*, Tehran, Islamic Library
- Cohen, Abraham (2004), *A treasure of Talmud*, translated by: Amir Faridun Gorgani, Tehran, Asatir
- Karajki, Mohammad Bin Ali (1974), *Mine of Al-Jawahar and Riyazat Al-Khwatar*, Mohaghegh Ahmad Hosseini, Tehran, Mortazavi
- Majlesi, Mohammad Baqer (1982), *Bihar al-Anwar*, Beirut, Dar Ehiya al-Trath al-Arabi
- Mohammadi Ray Shahri, Mohammad (2006), *Mizan al-Hikma*, Qom, Dar al-Hadith
- Madani Shirazi, Seyyed Ali Khan (1988), *Riyad al-Salkin in the description of Seyed al-Sajdin newspaper*, Qom, Islamic Publications
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2010), *Pand Javed*, Qom, Imam Khomeini Research Institute (RA)
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi (2009), *Humanization in the Qur'an*, Qom, Imam Khomeini Research Institute.
- Mustafavi, Hassan (1989), *Tahaqiq fi kalamat al-Qur'an al-Karim*, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance
- Mousavi Lari, Siddmjatbi (1999), *The Basics of Beliefs in Islam*, Qom, Islamic Culture Publication

Al-Ahadith Noor comprehensive software (2013), A comprehensive collection of narrations of the Prophet and the Infallible Imams (PBUH), Qom, produced and published by the Computer Research Center for Islamic Sciences.

Jame Al-Tafaseer Noor Software (2013), Multimedia Encyclopedia of the Holy Qur'an, Qom, Production and Publishing Center for Computer Research of Islamic Sciences

Waram bin Abi Faras, Masoud bin Isa (1989), Tanbiyeh al-Khwatar and Nazhah al-Nawazir, Qom, School of Faqeeh

Hawks, James (1998), Bible Dictionary, Tehran, Asatir

Elahi Qomshaei, Mahdi (1999), Ten essays on divine wisdom or morals of Mortazavi, Qom, Qiyam





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی